



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر
جون ۲۰۱۹

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است.

عبرانیان ۸:۱۳

در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، هر سه ماه یک بار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسئولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر در بهار سال ۲۰۱۶ آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعالیم برادر برانهم و نشان دادن واضح آن تعالیم می‌باشد. این مسئولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه جون، سه موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. قامت یک انسان کامل

۲. چوب تأدیب

۳. کلیسا در مقابل دولت

قامت یک انسان کامل

ما در مبحث «قامت یک انسان کامل» اهمیت رشد در هشت فضیلت مسیحی را یاد می‌گیریم؛ ۱: ایمان ۲: فضیلت ۳: علم ۴: عفت ۵: صبر ۶: دینداری ۷: محبت برادرانه ۸: محبت. با رشد کردن در این ثمره‌های مسیحی است که می‌توانیم در قامت یک انسان کامل پیش برویم و آنجاست که تبدیل به خیمه‌ی خدا می‌شویم. حال بیایید این آیه را بررسی کنیم:

«^۵ و به همین جهت، کمال سعی نموده، در ایمان خود فضیلت پیدا نمایید؛ ^۶ و در فضیلت، علم و در علم، عفت و در عفت، صبر و در صبر، دینداری؛ ^۷ و در دینداری، محبت برادران و در محبت برادران، محبت را.» دوم پطرس ۱: ۵-۷

این آیه من را به یاد غلاطیان باب ۵ می‌اندازد، آنجا که از ثمرات روح‌القدس نام برده می‌شود: «لیکن ثمره‌ی روح، محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است.» غلاطیان در مورد ثمره‌های داشتن روح‌القدس در میان ما صحبت می‌کند. این آیه از دوم پطرس در مورد خصوصیات صحبت می‌کند که ما باید اضافه کنیم تا با یک ترتیب خاص در فیض خدا بیشتر پیش برویم. برادر برانهام سپس اینها را با اضافه کردن آیه‌ی زیر به هم وصل می‌کند.

«تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل، به اندازه‌ی قامت پُری مسیح برسیم.» افسسیان ۴: ۱۳

رشد کردن در این فضیلت‌های مسیحی ما را به مسیر رشد در قامت پُری مسیح که انسان کامل است، هدایت می‌کند. دوم پطرس ۱: ۵-۷ رشد در جهت کمال است. زمانی که برادر برانهام این پیغام را موعظه کرد، این درک را داشت که ما نخست توسط ایمان تولد تازه می‌یابیم و سپس ایمان می‌آوریم که از روح‌القدس پر شده‌ایم. شما چنین چیزهایی را در موعظت او بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳ بسیار می‌بینید. نبی سعی دارد

کلیسا را به درک بالاتری هدایت کند. مسیحیان دائماً در کوشش برای ایمان به کلام و داشتن یک زندگی نجیبانه و اخلاقی هستند. آنها اعتراف می‌کنند، اما به سیگار کشیدن، نوشیدن مشروب، زندگی دنیوی و سرگرمی‌ها ادامه می‌دهند. بنابراین در این قسمت که ما به بحث در مورد آن پرداخته‌ایم، او درباره‌ی این مسائل شروع به صحبت می‌کند:

"۱۴۱. حال این کار را خواهیم کرد. نخستین کار چیست؟ ایمان داشته و تولد تازه بیابید. این یعنی ساختن پایه و بنیاد.

۱۴۲. بعد، پس از اینکه پایه را قرار دادیم، در مرحله‌ی دوم به این پایه اضافه می‌کنید. پطرس در اینجا می‌گوید: "در ایمان خود فضیلت پیدا نمایید." بیفزایید. نخست، ایمان داشته باشید، سپس در ایمان خود فضیلت پیدا نمایید."^۱

این روند با ایمان شروع می‌شود و نیاز داریم که به آن اضافه کنیم. ما نمی‌توانیم فقط بگوییم که من ایمان دارم و تمام، بلکه این یک شروع است. حال، توجه کنید که او در انتهای موعظه، پس از بررسی کردن هشت فضیلت مسیحی این را می‌گوید:

"سپس پطرس در اینجا می‌گوید که نخست، هفت چیز: ایمان، فضیلت، علم، عفت، صبر، دینداری و محبت برادرانه را اضافه کنید و سپس محبت خدا. روح القدس، در تعمیم راستین روح القدس، مسیح در نقش روح القدس نزد شما می‌آید و تمامی این فضیلت‌ها در شما مظهر می‌شود. سپس خدا در خیمه‌ای به نام ساختمان زندگی می‌کند، خیمه‌ی زنده یعنی مکان سکونت خدای زنده.

۳۴۲. زمانی که انسانی چنین چیزهایی را داراست، آنگاه روح القدس بر او قرار می‌گیرد."^۲

^۱ M ۱۰۱۴-۶۲، قامت یک انسان کامل، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۲ M ۱۰۱۴-۶۲، قامت یک انسان کامل، برادر ویلیام ماریون برانهام

اگر ما این نقل قول از برادر برانهام را با درک خود از کتاب « دوره‌های کلیسا» که می‌گوید تولد تازه، تعمید روح‌القدس است، بخوانیم، سردرگمی بزرگی خواهیم داشت. آیا باید ثمرات روح‌القدس را قبل از دریافت روح‌القدس داشته باشیم؟ آیا باید با تلاش خودمان فضیلت‌های مسیحی را دریافت کنیم: ایمان، فضیلت، علم، عفت، صبر، دینداری، محبت برادرانه و محبت خدا، آن هم قبل از تولد تازه یافتن؟ این کاملاً غیرممکن است، چون ذات ما هنوز از دنیا است. زمانی که ما توسط تعمید روح‌القدس تولد تازه می‌یابیم آنگاه ما خلقتی تازه هستیم و میوه‌های روح در زندگی ما دیده می‌شود و آن موقع است که می‌توانیم این فضیلت‌های مسیحی را به آنها اضافه کنیم. برادر برانهام با تأکید از ما می‌خواهد که ببینیم یک مسیحی راستین میوه‌های یک مسیحی را در زندگی‌اش دارد، و همیشه در میان ما در حال رشد و زیاد شدن است.

چوب تأدیب

"حماقت در دل طفل بسته شده است، اما چوب تأدیب آن را از او دور خواهد

کرد." امثال سلیمان ۱۵:۲۲

ما در جامعه‌ای مدرن زندگی می‌کنیم که معتقد است که این آیه، آزار به کودکان را تعلیم می‌دهد. تنبیه کردن فرزندان در بسیاری از نقاط جهان، عملی افراطی در نظر گرفته می‌شود. و حتی در بعضی از کشورها، اگر فرزندانتان را تنبیه بدنی کنید، ممکن آنها را از شما بگیرند.

بیاید نخست این آیه را بررسی کنیم و ببینیم که چه نمی‌گوید. این آیه نمی‌گوید که ما باید فرزندانمان را بزیم. درک این مطلب مهم است. خدا پدر ماست و نمونه‌ای عالی از یک پدر است. خدا از روی خشم فرزندان‌ش را تأدیب نمی‌کند. او همیشه آنها

را از روی محبت تأدیب می‌کند. بگذارید این نخستین راهنمای شما باشد: تأدیب فرزندانان باید در وضعیتی آرام و پرمحبت صورت بگیرد. اگر عصبانی هستید و می‌خواهید فرزندانان را تأدیب کنید، دست نگه دارید، رو به عقب قدم بردارید، به اتاقتان بروید، دعا کنید و نظر خدا را برای مدیریت آن اوضاع جویا شوید.

کلمه‌ی «طفل» در این آیه به یک کودک از سن طفولیت تا بزرگسالی اشاره دارد. در فرهنگ یهودی، ۱۳ سالگی سن بزرگسالی محسوب می‌شد. سپس، این آیه به ما نشان می‌دهد که کودکان ذاتاً نادان هستند. آنها چیزهای احمقانه می‌گویند و کارهای احمقانه می‌کنند. با وجود این شرایط، ما آنها را در این شرایط رها نمی‌کنیم. ما از چوب تأدیب استفاده می‌کنیم تا آن حماقت را از آنها دور کنیم.

چیز دیگری که در این آیه متوجه می‌شویم، این است که نمی‌گویید دست تأدیب، بلکه می‌گویید چوب تأدیب. کتاب مقدس و من توصیه نمی‌کنیم که شما از دستتان برای تنبیه فرزندانان استفاده کنید، به این دلیل که دست شما باید نشانه آرامش باشد، نه درد. چوب درد به همراه دارد، نه دست. این مهم است، زمانی که بچه‌ها تصمیم احمقانه‌ای می‌گیرند، آنها باید بخاطر آن تصمیم درد بکشند. متأسفانه، در رویکرد امروزی والدین فرزندانان را نازپرورده بار می‌آورند و فرزندان از تمام عواقب اعمالشان مبراء می‌شوند. این مهم است که کودکان عواقبی در نتیجه‌ی رفتار خود داشته باشند. دنیا این چنین عمل می‌کند و ما نیز باید فرزندانان را این چنین تربیت کنیم. تربیت فرزندانان وظیفه‌ی ماست، نه وظیفه‌ی مدرسه، کلیسا، بلکه ما به عنوان والدین. ما باید وقت بگذاریم و کتاب مقدس را از پیدایش به آنها تعلیم بدهیم: کشتی نوح، تا ابراهیم، تا پادشاهان، تا عیسی مسیح، شاگردان و الی آخر. این وظیفه‌ی ماست که حقایق موجود در کتاب «دوره‌های کلیسا» را به آنها تعلیم دهیم. آن را برایشان بخوانیم و در یادگیری‌اش به آنها کمک کنیم. به آنها یاد دهید که چطور مناسب رفتار کنند و زمانی که اطاعت نمی‌کنند، از چوب تأدیب استفاده کنید. در خانه و در شیوه‌ی مدیریت

تأدیب ثابت قدم باشید. اگر شما آنها را اغلب و به دلایل نه چندان مهم تأدیب کنید، آنها نسبت به تأدیب مستبدانه‌ی شما سرکشی می‌کنند. اما زمانی که شما ثابت قدم، آرام، و در تأدیب بامحبت هستید، این تأدیب شما را به هم نزدیک‌تر می‌کند.

کلیسا در مقابل دولت

این یک موضوع عجیب برای ایمانداران پیغام است. بطور معمول، ایمانداران در سراسر جهان در موقعیتی قرار دارند که اقلیت هستند، خارج از سیاست هستند و تحت تأثیر فرهنگ عامه قرار دارند. تنها چند کشور در جهان وجود دارد که مسیحیت جریان اصلی فرهنگ است و حتی به قدرتمندترین صدا تبدیل شده است. ما بعنوان ایمانداران کتاب مقدس در این موقعیتی که حق رأی داریم، چگونه می‌توانیم نسبت به خدا راست و صادق باشیم؟ آیا درست است که یک ایماندار پیغام به دنبال دستیابی به یک منصب سیاسی باشد یا باید سیاست را بطور کل کنار بگذاریم؟

برادر برانهام به عنوان نبی نسل خود همیشه سعی کرد که از سیاست جدا باشد. با این حال، او رأی داده و به این شکل سهم بود.

"من به آقای کندی رأی ندادم. من به آقای نیکسون رأی دادم، چون آقای نیکسون را شخصاً می‌شناختم. از او خوشم می‌آمد و به او رأی دادم، شخصاً، چون از او خوشم می‌آمد."^۳

اگر به عهد عتیق برگردیم می‌بینیم که انتظار خدا (زمانی که پادشاهان منصوب

^۳ ۱۱۲۴M-۶۳، با عیسی مشهور به مسیح چه کنیم؟، برادر ویلیام ماریون برانهام

می‌شدند) این بود که زندگی سیاسی باید کاملاً تسلیم خدا باشد. خواست خدا این بود که آن پادشاه جوای مشورت او از انبیاء و کاهنان باشد. او می‌خواست که پادشاه رهبر پرستش در ملت و الهام بخش باشد و در صورت لزوم پرستش خدای یگانه اسرائیل یهوه را موکداً پیش ببرد. آنهایی که بت می‌پرستیدند، باید سنگسار می‌شدند و بت‌ها باید نابود می‌شدند. جایی برای انبیاء برای نبوت کردن در نام یهوه و عمل کردن براساس هدایت روح القدس وجود داشت، اما هیچ جایی برای دیگر ادیان و اشکال پرستش وجود نداشت.

کاتولیک‌ها پادشاهانی داشتند که در قلمروشان همین کار را کردند. پروتستان‌ها اغلب با این رویکرد مخالف هستند و عمدتاً رویکردی دموکراتیک‌تر در مورد رهبری برگزیده‌اند. حتی در نخستین منشور از افرادی که از دنیای قدیم وارد دنیای جدید می‌شدند، رأی‌گیری‌های دموکراتیک نسبت به تصمیم‌های جامعه صورت می‌گرفت. هر کدام از سران خانواده حق رأی داشتند و اگر نتیجه‌اش را دوست نداشتند، می‌توانستند آن منطقه را ترک کنند. حتی با این وجود، هیچ جای شکی وجود نداشت که اعتقادات باید در چارچوب نجابت مسیحی باقی می‌ماند.

متأسفانه، این شکل از دموکراسی منجر به افزایش فساد و بی‌عدالتی‌های مسیحی شده و نیکویی و فضیلت مسیحی به دیده‌ی تحقیر نگاه کرده می‌شود و آن را شیطانی می‌خوانند. ما مسیحیان چطور باید در چنین دموکراسی منحرفی عمل کنیم؟ ما نیاز داریم که ادامه دهیم و صدایمان را برای خدا و کلامش به گوش دیگران برسانیم. ما نبوت‌های کلام و داوری که بر روی این دنیای شریب اعلام شده است را درک می‌کنیم. من به جرأت می‌گویم که مسیحیان گذشته و کهن این را به خوبی می‌دانستند. اشعای نبی زمانی مرد که در تلاش برای رساندن صدایش به پادشاه شیر منسی بود. هم‌ی ما باید مانند آن انبیاء باشیم که از بیابان با صدای نبوت با دنیا صحبت می‌کردند. ما هرگز نمی‌توانیم اجازه دهیم این صدا ساکت شود، از طریق توبیخ عمومی و رأی‌هایمان، باید

به بهترین شیوه‌ای که بلد هستیم براساس وجدانمان عمل کنیم. ما بر علیه گناه و شرارت و نا عدالتی و نژادپرستی و سقط جنین و تمام شرارت‌هایی که داوری خدا را به کشورمان می‌آورند، سخن خواهیم گفت.